



An Introduction to the Links between Arabic Literature and Islamic History

Touraj Zinivand*¹, Mehdi Ezati²

¹ Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

² Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
01/02/2026

Accepted:
28/04/2026

Arabic literature, due to its links with political, social and religious systems, has been one of the trusted and reliable sources for research on the history of Islam, as the sources of Islamic history are also full of literary news, the lives of writers, poems and literary anecdotes. In fact, these sources are considered one of the sources for examining and analyzing the lives of writers, literary genres and topics of Arabic literature. In addition, the need of Muslim historians for a source called Arabic literature in order to analyze information and reconstruct historical discussions and events, as well as to benefit from the subtleties and beauties of those literary elements, has led to the abundance of evidence of Arabic literature in the analysis of historical issues. Just as the need of Muslim writers for themes, topics and historical heritage has increased the scope and speed of this interaction. A look at the evolution of Arab historiography and literature in the Islamic period is indicative of this importance, and hence, how many historians were writers and poets, and how many great writers wrote historical works. In this study, in addition to analyzing and explaining the deep-rooted discourse of Arabic literature and Islamic history, prominent examples and instances of this interaction and exchange have also been mentioned. The basic finding of the study also reflects the fact that the analysis and interpretation of original sources of Arabic literature (poetry and prose) and reliable historical sources are impossible and incomplete without knowledge and familiarity with the other.

Keywords: Interdisciplinary studies, Arabic literature, Islamic history.

Cite this article Zinivand, T. & Ezati, M. (2026). An Introduction to the Links between Arabic Literature and Islamic History. *Interdisciplinary Narrative Studies in Arabic Language and Literature*. 3(Special Issue). 1-26.

DOI: 10.22034/jisall.2026.545210.1092

© The Author(s).

Publisher: University of Zabol



***Corresponding Author:** Touraj Zinivand

Address: Professor in Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

E-mail: zinivand56@gmail.com



دوفصلنامه روایت پژوهی میان رشته‌ای در زبان و ادبیات عربی

شاپای الکترونیکی: ۶۹۵۵-۳۰۹۲



درآمدی بر پیوندهای ادب عربی و تاریخ اسلام

تورج زینی‌وند^{۱*}، مهدی عزتی^۲

^۱ استاد، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

^۲ استادیار، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی اصیل

دریافت:

۱۴۰۴/۱۱/۱۲

پذیرش:

۱۴۰۵/۰۲/۰۸

ادب عربی، به دلیل پیوند با نظام‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی، یکی از منابع مورد اعتماد و مصادر موثق پژوهش‌های تاریخ اسلام بوده است، هم‌چنانکه منابع تاریخ اسلام نیز سرشار از اخبار ادبی، احوال ادیبان، اشعار و حکایت‌های ادبی است. در حقیقت، این منابع، یکی از مصادر بررسی و تحلیل احوال ادیبان، گونه‌های ادبی و موضوعات ادب عربی به شمار می‌آید. افزون بر این، نیاز مورخان مسلمان به منبعی با عنوان ادب عربی به منظور تحلیل اطلاعات و بازسازی مباحث و رخداد‌های تاریخی و همچنین بهره‌گیری از ظرافت‌ها و زیبایی‌های آن عناصر ادبی، سبب فراوانی حضور شواهد ادب عربی در تحلیل مسائل تاریخی گردیده است. هم‌چنانکه نیاز ادیبان مسلمان به بن‌مایه‌ها، موضوعات و میراث تاریخی بر گستره و شتاب این تعامل افزوده است. نگاهی به سیر تطور تاریخ نگاری و ادبیات عرب در دوره اسلامی، گویای این مهم است. از این‌رو چه بسیار مورخانی که ادیب و شاعر بودند و چه ادیبان بزرگی که آثار تاریخی تالیف کردند. در این پژوهش، ضمن تحلیل و تبیین گفتمان ریشه‌دار ادب عربی و تاریخ اسلامی به ذکر نمونه‌ها و مصادیق برجسته‌ای از این تعامل و داد و ستد نیز اشاره شده است. یافته اساسی پژوهش نیز بیانگر این حقیقت است که تحلیل و تفسیر منابع اصیل ادب عربی (شعر و نثر) و منابع معتبر تاریخی، بدون آگاهی و آشنایی با دیگری، ناممکن و ناتمام است. به همین سبب، تحلیل گفتمان ادبیات و تاریخ، مستلزم شناخت کارکرد عوامل فرهنگی، سیاسی، دینی، ادبی و تاریخی در این داد و ستد است.

کلمات کلیدی: مطالعات میان رشته‌ای، ادب عربی، تاریخ اسلام.

استناد: زینی‌وند، ت. عزتی، م. (۱۴۰۵). درآمدی بر پیوندهای ادب عربی و تاریخ اسلام. *روایت پژوهی میان رشته‌ای در زبان و ادبیات عربی*. ۳ (ویژه‌نامه). ۱-۲۶.

DOI: 10.22034/jisall.2026.545210.1092



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه زابل

۱. مقدمه

تعیین دقیق سرآغاز و پیشینه تعامل ادب عربی و دانش تاریخ، به دلیل فقدان منابع مکتوب و نیز اعتماد پیشینیان به نقل شفاهی، امری بسیار دشوار است، اما آنچه مسلم است؛ این است که پیوند و همراهی ادب عربی و عناصر تاریخی به اندازه‌ای ناگسستگی است که گویی شناخت و تحلیل آن دو بدون آگاهی از دیگری، ناممکن و ناتمام است.

در پیش از اسلام (جاهلی) سنت تاریخ‌نگاری در میان اعراب در اهتمام آنها به دو سنت «ایام العرب» و «انساب» خلاصه می‌شد. در کنار آندو، «دیوان العرب» وجود داشت که از آن به «علم عرب» یاد شده است. این سنت‌ها از طریق روایات شفاهی از دوره جاهلی به دوره اسلامی منتقل گشت. در میان این سنت‌ها، توجه به ایام العرب نخستین «ذهنیت تاریخی» است که میان اعراب به وجود آمد و بیشتر جنبه «ادیبانه» داشت تا جنبه «تاریخی»؛ زیرا ایام العرب، شرح وقایع و نبردهای مهم عرب در عصر جاهلی بود که بدون توجه به عنصر زمان، به صورت قصه و داستان و به منظوریاد سرگرمی، تفنن و افتخار بیان می‌شد.

با پیدایش اسلام و گرایش قوم عرب به آیین اسلام و نیز اعتماد قرآن بر عناصر گوناگون؛ از جمله فصاحت و بلاغت (ادبیات)، قصص انبیاء و اولیاء و بیان سرنوشت اقوام و ملت‌های پیشین (تاریخ)، این تعامل و داد و ستد، فراخ‌تر و گسترده‌تر شد. لذا ملاحظه می‌شود که در آغاز امر، منابع ادبی و تاریخی، کمتر به صورت مستقل و تخصصی یافت می‌شوند، بلکه به همراه برخی علوم دیگر به صورت یک حوزه مشترک علمی، تدوین و نگاشته شده‌اند.

افزون‌براین، نام‌گذاری عصرها و دوره‌های ادبی، حسب جریان‌ها و رخدادهای تاریخی، سیاسی و اجتماعی (جاهلی، اسلامی، اموی، عباسی و ...)، بیانگر فصل مشترک دیگری از پیوند ژرف ادب عربی و عنصر تاریخ بوده است که پرداختن به آن مجال دیگری را می‌طلبد.

اهمیت و ضرورت این موضوع میان رشته‌ای در این است که مخاطب با نموده‌ها و ریشه‌های پیوند مباحث ادب عربی و تاریخ اسلام آگاهی و آشنایی می‌یابد. هدف اصلی پژوهش نیز چنین است که ضمن بازخوانی چنین همسویی و تعاملی، این پیام را به مخاطبان می‌دهد که درک و فهم مسائل ادبی، نقدی و تاریخی، ایشان را در تفسیر و تحلیل متون و پدیده‌های ادبی یا تاریخی، به گونه‌ای دقیق‌تر و ژرف‌تر کمک می‌کند.

بر این اساس پژوهش حاضر درصدد پاسخ به پرسش زیر می‌باشد:

شاخص‌ترین عوامل و مؤلفه‌هایی که در گذشته، سبب تعامل و استواری داد و ستد میان ادب عربی و تاریخ اسلام گردیده است، کدامند؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

تا کنون در باب تعامل ادبيات عرب و تاريخ اسلام، پژوهش مستقلي به مانند اين جستار انجام نشده است، اما برخي از منابع ذيل، گفتارهاي کوتاه و اشاراتي گذرا، نسبت به اصل اين موضوع (وجود تعامل ادب عربي و تاريخ اسلام) داشته اند:

مصطفی الشکعة: (۱۹۹۳: ۶۹۹)، در کتاب «مناهج التأليف عند العلماء العرب» به برخي از مصداق‌های اين داد و ستد ادب عربي و تاريخ اسلام اشاره نموده است.

مصطفی عطيه جمعه (۲۰۲۳: القدس العربي) در يادداشتي با عنوان «الشعر و الشعراء و التاريخ» به بررسي ابعاد و زوایای تعامل شعر عربي و عنصر تاريخ پرداخته است.

محمد الأمين ولدحمادی (۲۰۲۱: اقلام)، نیز در يادداشتي کوتاه با عنوان «الشعر و التاريخ؛ بين التلاقى و التنافر» به بررسي مشترکات و تفاوت‌های شعر و تاريخ پرداخته است.

محمود محمد أسد (۲۰۱۲: ديوان العرب)، نیز در يادداشتي با عنوان «العلاقة بين التاريخ و الشعر» به واکاوی و تفسير رابطه تاريخ و ادبيات قديم عربي روی آورده است.

فوزی کریم (۲۰۱۵: الجريدة)، در گفتاري با عنوان «هامش عن الشعر و التاريخ» به بررسي مباحث نظري ارتباط شعر و تاريخ پرداخته است.

قيسی نوری حمودی (۱۹۸۰) در کتاب «الشعر و التاريخ» به بررسي و تحليل مباحث ادبی و تاريخی شاعران برجسته ادب عربي (ابن الرومي، بحتري، فردق و) پرداخته است.

علی عدنان عبید (۲۰۰۰)، در کتابي با عنوان «الأدب العربي بين الدلالة و التاريخ» در دو فصل به بررسي تطبيقي دلالت‌ها و قلمروهای ادب عربي در دو رویکرد ادبی و تاريخی پرداخته است.

محمد الجوادی (۲۰۰۴)، در کتابي با عنوان «ثلاثية التاريخ و السياسة و الأدب من بين سطور حياتنا» به بررسي اين سه عنصر در آثار برخي اندیشمندان و ادیبان معاصر (العقاد، توفيق الحكيم، احمد امين، مصطفى امين، طه حسين، محمد حسين هيكل و ...) پرداخته است.

عدنان ملحم (۲۰۱۵)، در مقاله‌ای با عنوان «جدلية العلاقة بين التاريخ و الأدب العربي الإسلامي؛ عماد الدين خليل، نموذجاً» به بررسي گفتمان‌های مشترک و متفاوت دو دانش ادبيات و تاريخ روی آورده است.

مهدی احمدي اختيار و عبدالرضا نقدي (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «پيوند ادبيات و تاريخ در ايران» به بررسي روابط تنگاتنگ ادب فارسي و تاريخ پرداخته اند. مقاله صالحی و طاری (۱۳۹۶) نیز از آثار شاخص در اين حوزه است. اين دو مقاله، راهگشای مناسبی برای نگارندگان در اين جستار بوده اند. اگر از اين پژوهش‌های نظري گذر کنيم و به منابع معتبر و مدرن تاريخ ادبيات عربي نیز بنگريم، در می‌يابيم که پژوهشگرانی همچون: جرجي زيدان، الرافي، طه حسين، شوقي ضيف، عمر فروح، الفاخوري و خفاجي، ثريا ملحس (۱۹۸۹ و ۱۹۹۰)، احمد الشايب و نیز برخي از مستشرقان؛ به مانند

بروکلمان و نیکلسون، ادبیات عرب و مباحث مرتبط با این دانش را با بررسی و تحلیل مباحث تاریخی و سیاسی عرضه و تدوین نموده‌اند.

اما آنچه که نگارندگان در پی طرح و نوآوری آن در این گفتار هستند، بررسی ژرف عوامل و مؤلفه‌هایی است که موجب تقویت و گسترده‌گی این تعامل و داد و ستد شده است. موضوعی که از دید دیگر پژوهشگران مغفول مانده یا به صورت سطحی و پراکنده بدان اشاره نموده‌اند.

۲. چارچوب نظری و روش‌شناسی میان‌رشته‌ای

۱-۲. چارچوب نظری

در این پژوهش بر آن نیستیم که از متون ادبی، «برداشت تاریخی» و از متون تاریخی، «برداشت ادبی» داشته باشیم؛ چرا که «زبان»، «هدف»، «ماهیت» و «روش» دو دانش ادبیات و تاریخ متفاوت و گوناگون است. بلکه مقصود این است که ملازمت «معرفت ادبی و تاریخی» و رفع ابهام از جمله‌ها در فهم بهتر و درک درست‌تر پدیده‌های ادبی و تاریخی کمک می‌کند. به هر حال، در این پژوهش توصیفی-تحلیلی برآنیم تا به بررسی و تحلیل عوامل و مؤلفه‌هایی بپردازیم که در گذشته موجب تقویت و استواری پیوند ادب عربی و تاریخ اسلام گردیده است.

افزون براین، شایسته ذکر است؛ مباحث نظری مربوط به پیوند یا عدم پیوند تاریخ و ادبیات به آثار فلاسفه یونان، بویژه کتاب فن‌الشعر ارسطو، برمی‌گردد که توسط دیگران به تفصیل بررسی شده است (ر.ک: صالحی و طاری، ۱۳۹۶: ۵۱-۵۳).

۲-۲. روش تحقیق

در این پژوهش، ضمن تحلیل و تبیین گفتمان ریشه‌دار ادب عربی و تاریخ اسلام به ذکر نمونه‌ها و مصادیق برجسته‌ای از این تعامل و داد و ستد نیز اشاره شده است. از این رو، روش پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی می‌باشد.

۳. بحث و بررسی

در ادامه این جستار به بررسی و تحلیل پنج عنوان از عوامل و مؤلفه‌هایی می‌پردازیم که سبب تقویت و توسعه روابط ادب عربی و تاریخ اسلام گردیده است:

۳-۱. ادبیات عرب، ابزار و منبعی برای تحلیل اطلاعات و بررسی مباحث تاریخی

یک مورخ برای «تحلیل»، «تبیین» و «تفسیر» وقایع و رخدادهای تاریخی به داده‌ها و اطلاعات در منابع مکتوب و شفاهی گوناگونی نیاز دارد. از جمله این منابع، ادبیات در دو قالب نظم و نثر است. از طرفی، آثار مورخان مسلمان، سرشار از شواهد ادبی (شعر و نثر) است که به منظور تحلیل پدیده‌های تاریخی مورد استفاده قرار گرفته است. از جمله دلایل بهره‌گیری مورخان مسلمان از این شواهد ادبی، نه

به منظور تفنن ادبی یا تزئین منابع تاریخی، بلکه بیشتر به عنوان یک سند و گونه‌ای از استدلال و به هدف تأیید و اثبات فرضیه‌ها و یافته‌های تاریخی بوده است.

مراجعه به آثار و منابع تاریخی ذیل، این ادعا و فرضیه را تأیید و اثبات می‌کند:

سیره ابن اسحاق، محمد ابن اسحاق بن یسار (م ۱۵۱ ق): (۱۹۷۸، صص ۱۰۲، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۵)

سیره ابن هشام، عبدالملک بن هشام (م ۲۱۸ ق): (۱۹۸۵، صص ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۲۳، ۱۵۰)

المغازی، ابن ابی شیبہ (م ۲۳۵ ق): (بی‌تا، صص ۱۲۵، ۱۴، ۴۶۰)

وقعة صفین، نصر بن مزاحم (م ۲۱۲ ق): (۱۳۸۲/۱۴۰۴، صص ۸، ۷۵، ۱۶۴، ۴۴۱، ۴۵۸، ۵۴۹)

الغارات، ابراهیم بن محمد ثقفی (م ۲۸۳ ق): (۱۴۰۷، صص ۳۵، ۷۹، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۱۱۷، ۱۱۸)

الأصنام، ابو منذر هشام بن محمد کلبی (م ۲۰۷ ق): (۲۰۰۰، صص ۵۷، ۶۳)

الأخبار الموفقیات، زبیر بن بکار (م ۲۵۶ ق): (۱۴۱۶، صص ۱۶۱، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۱۳)

الإمامة و السياسة، ابن قتیبۀ الدینوری (م ۲۷۹ ق): (۱۹۶۷، ج ۱: صص ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۴، ج ۲: صص ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۲۹)

أنساب الأشراف، احمد بن یحیی بلاذری (م ۲۷۹ ق): (۱۴۱۶، صص ۱۰۵، ۳۰۶، ۳۲۲)

فتوح البلدان، احمد بن یحیی بن جابر بلاذری (م ۲۷۹ ق): (بی‌تا، صص ۲۰۴، ۲۰۷، ۴۰۷)

أخبار الطوال، ابو حنیفه الدینوری (م ۲۷۹ ق): (۲۰۰۱، صص ۹۹، ۴۰۳، ۴۶۴، ۵۹۰، ۵۷۴)

تاریخ یعقوبی، ابن واضح یعقوبی (م ۲۸۴ ق): (۱۹۹۳، ج ۱: صص ۳۵۹، ۳۶۰، ۴۴۵، ج ۲: صص ۱۰۱، ۱۰۲، ۲۱۳)

تاریخ الرسل و الملوك (تاریخ طبری)، محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ ق): (بی‌تا، ج ۱: ص ۷، ج ۴: ص ۲۹۶، ج ۷: ص ۱۹، ج ۸: ص ۵۹۷، ج ۱۰: ص ۶)

الفتوح، ابو محمد احمد بن اعثم الکوفی (م ۳۱۴ ق): (۱۳۷۲، صص ۳، ۴، ۲۴، ۳۹۷، ۳۹۸)

مروج الذهب و معادن الجوهر، علی بن حسین مسعودی (م ۳۴۶ ق): (۱۹۸۹، ج ۱: صص ۵۵، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۳)

مقاتل الطالبیین، ابو الفرج اصفهانی (م ۳۵۶ ق): (۲۰۰۵، ج ۱: صص ۵، ۵۹، ۳۰۵)

الجمال، شیخ مفید (م ۳۳۶ ق): (بی‌تا، ج ۱: صص ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۳۷، ۱۹۱)

المنتظم فی تاریخ الملوك و الأمم، عبدالرحمن بن جوزی (م ۵۹۷ ق): (۱۹۹۵، ج ۴: صص ۱۰، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۳۶، ۱۳۳۷)

الکامل فی التاریخ، ابن الأثیر (۱۹۸۷)، ج ۳: صص ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۶، ج ۵: صص ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ج ۸: صص ۱۱۰، ۱۲۶)

به عنوان نمونه در بیت زیر به نقل از اخبار الطوال دینوری (۹۹:۲۰۰۱) و الکامل ابن اثیر (ج ۱: ۵۲۲) می‌پردازیم. فرزدق شاعر در این بیت که «جریر» (شاعر دوره اموی) را مورد هجو و خطاب خود قرار می‌دهد، به رخداد تاریخی جنگ میان دو قبیله بنی تغلب و بنی وائل اشاره می‌کند. همانطور که گفته شد؛ در منابع تاریخی نیز بدان جنگ اشاره شده است. دلیل پرداختن مورخان مسلمان به این نزاع و اشاره به شعر این شاعر، به سبب کشمکش دوباره دو قبیله در روزگار حکومت امویان برای کسب قدرت و به دست آوردن موقعیت سیاسی و اجتماعی بوده است:

لولا فوارسُ تغلبِ ابنة وائلٍ وِرْدَ (نزل) العدوْ عليكُ كُلِّ مكانٍ

(ای فرزند وائل! اگر سپاهیان تغلب نبودند، دشمن از هر سویی بر شما وارد می‌شد)
یا نمونه دیگری از تعامل تاریخ و ادبیات را ذکر می‌کنیم که ابن جوزی در کتاب «المنتظم فی تاریخ الملوک» (ج ۱۳: ۴) در آن به شاعری اشاره نموده است که به مادر المکتفی بالله خلافتش را تبریک می‌گوید. دلیل اشاره ابن جوزی به شعر این شاعر، اشاره به سال حادثه و اهمیت ساسی و اجتماعی این تغییر و تحول بوده است:

أجلُ الرّزایا أن یموتَ إمامٌ وأسنی العطايا أن یقومَ إمامٌ

(ترجمه: سخت‌ترین مصیبت‌ها آن است که پیشوایی بمیرد و بالاترین نعمت‌ها آن است که پیشوای دیگری جایگزین او شود)

از سوی دیگر، در آثار ادیبان و شاعران عرب، اطلاعات و داده‌های تاریخی بسیار زیادی وجود دارد که برای تحلیل و تبیین‌های تاریخی قابل توجه و دارای اهمیت هستند. برخی از دایره‌المعارف‌های برجسته ادب عربی، در ضمن طرح مباحث ادبی، به گزارش اخبار و حکایات تاریخی، سیاسی و اجتماعی نیز پرداخته و از دیرباز تاکنون به عنوان یکی از منابع مورد وثوق و اعتماد مورخان به شمار آمده‌اند. حتی با اندکی اغماض می‌توان از این گونه آثار تحت عنوان منابع تاریخ‌نگاری ادبی - تاریخی یاد کرد:

الحيوان؛ جاحظ (۱۵۹-۲۵۵هـ) و (البیان و التبيين)؛ ابن اثر دومی، کتابی در انواع بیان، همراه با گزیده - ای از خطب بلیغ، مواعظ و احوال سخنوران برجسته و مشاهیر اسلام، تشریح لحن، یعنی لغزش نحوی در گفتار مستعربه، لطایف، اشعار و نیز بسیاری اشارات تاریخی و فواید بلاغی و تحلیل فن خطابه است. (ر.ک: الحيوان، ج ۱: ۸۹، ۵۲، ۵۰) / (ر.ک: البیان و التبيين (۱۹۸۸) ج ۳: ۲۹، ۳۰، ۹۴، ۹۵)؛

عيون الاخبار ابن قتيبه دينوري (۲۱۳-۲۷۶هـ) اين كتاب جزو آثار ادبي است كه هر باب آن اختصاص به يك موضوع اجتماعي، سياسي و يا ادبي دارد. در هر باب شعر، حكايات و كلمات قصاري پيرامون همان موضوع، بيان شده است. (ر.ك: ۱۹۸۸، ج ۱: ۵۸، ۶۳، ۶۴، ۶۷، ۸۶)؛

ادب الكاتب ابن قتيبه دينوري؛ اثری در ادب و فرهنگ كتابت و آنچه كاتب بايد بداند. وی، آشنایی با دانش رياضي و هندسه، فقه و حديث، اخبار و تاريخ را براي كاتب ضروري می‌داند و بخشی از كتاب خود را به اخبار و حكايات تاريخي اختصاص داده است. هم چنین كتاب الشعر و الشعراء (۱۴۲۳، ۲جلد) نیز از آثار ديگر اوست كه شرح حال شمار فراواني از شاعران برجسته دوران جاهلي و اسلامي است و منبع ارزشمندی در تاريخ ادبيات عرب و نیز فرهنگ و تمدن اسلامي به شمار می‌آيد. (ر.ك: ۱۹۹۹: ۱۵، ۱۴، ۳۱، ۳۲، ۱۶۶)

الكامل في اللغة و الأدب، مبرد (۲۱۰-۲۸۶هـ) اين اثر در اصل كتابي ادبي در لغت و شعر عربي است اما اطلاعات تاريخي بسيار ارزشمندی درباره حوادث و وقايع صدر اسلام در خود جای داده است. نکته جالب توجه اينكه حدود يك سوم كل كتاب مربوط به تاريخ خوارج در قرن اول هجري است و به همین جهت، يكي از منابع تاريخي مهم در تاريخ خوارج به شمار می‌آيد. (ر.ك: ۱۹۸۹، ج ۱: ۲۴۹، ۲۴۷، ج ۲: ۲۱۶-۱۴۱).

العقد الفريد ابن عبدربه اندلسي (۲۴۶-۳۲۸هـ) از منابع مهم در ادبيات عرب و تاريخ و فرهنگ عربي در اندلس است. تدوين كتاب تحت تأثير عيون الاخبار ابن قتيبه بوده و شباهت زیادی به آن دارد. محتوای كتاب افزون بر به بيان اشعار خود نویسنده و شاعران اندلسي؛ مانند غزال، عباس بن فرناس و مؤمن بن سعيد، به ذكر ضرب المثل‌ها، حكايات، لطيفه‌ها و شوخي‌های زننده نیز پرداخته است. اين اثر از بعد تاريخي به ویژه تاريخ اندلس دارای اهمیت فراوان است؛ زیرا نویسنده خود ناظر و شاهد بسیاری از وقايع و تحولات تاريخي اندلس بود. (ر.ك: ۱۹۸۶) (ج ۱: ۶۵ و ۱۵۶) ج ۴: ۷۹) ج ۵: ۳۱-۸۱)

الأغانی ابوالفرج اصفهانی (۲۸۴-۳۵۶هـ)؛ اين كتاب نمونه عالی از پیوند ادب عرب با تاريخ اسلام به شمار می‌رود؛ كتاب با اينكه شرح حال شاعران و آوازه خوانان است، در عين حال، سرشار از اطلاعات تاريخي و شرح حوادث تاريخ صدر اسلام می‌باشد. نویسنده ضمن شرح حال فرد مورد نظر، توضيح جامعی از حوادث كه پيرامون آن شخصيت رخ داده و يا وقايعی كه در آن حضور داشته به دست می‌دهد. (ر.ك: ۲۰۰۸) ج ۴: ۱۰۵، ۲۴۰، ج ۷: ۵؛

الاشتقاق ابن ذرید (۲۲۳-۳۲۱هـ)، اين كتاب به ريشه شناسی و واژه شناسی اسامي و نام‌های قبایل و شيوخ عرب، شاعران و قهرمانان معروف هر قبیله و نیز برخی حوادث تاريخي آن روزگاران پرداخته است. اگر چه شبیه به كتب لغت است، اما دانش مؤلف را در علم انسباب نشان می‌دهد. برخی از اسامي كه در اين كتاب معرفی و ريشه اشتقاق لغوی آنها بيان گردیده است، عبارتند از: آباء الرسول الله (ص)،

امهات الرسول الله(ص)، اعمام الرسول الله، اسماء العشرة من اصحاب الرسول الله(ص)، اسماء ولد الرسول الله(ص) بنو هاشم و...

الامتناع و المؤمنة ابوحيان توحیدی(۳۱۰-۴۱۴هـ)(ر.ک:بی تاج:۳، ۱۳، ۱۶، ۱۸) کتابی است در موضوعات مختلف، از جمله فلسفه، اخلاق، کلام، شریعت، تصوف، ادب، تاریخ و حساب که در ۳۷۴ نوشته شده است. کتاب با مقدمه محقق آغاز و مطالب که در سه جزء سامان یافته، شرح مجالس نویسنده با ابن سعدان وزیر می‌باشد که بر سیاق داستان‌های هزار و یک شب، در ۴۰ شب ترتیب یافته است. هر مجلس با شعری یا لطیفه‌ای با نام «ملحة الوداع» یا «خاتمة المجلس» پایان می‌پذیرد. نوع مطالب، بیانگر چگونگی محافل اشرافی - فرهنگی آن روزگار است. و آثار دیگری همچون: الأمالی ابوعلی قالی(۲۸۸-۳۵۶هـ)(۲۰۰۱: ۱۷-۳۲) خزانه الأدب عبدالقادر بغدادی(۱۰۳۰-۱۰۹۳هـ)(۱۹۹۷: ج ۱: ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲) محاضرات الأدباء یاقوت حموی(۱۹۹۹: ج ۲: ۲۰۰، ۲۰۱، ۱۴۸)

از این آثار مشهور، گذر می‌کنیم و با منابع تاریخی اندلس همراه می‌شویم؛ نگاهی گذرا به آثار ذیل نیز این فرضیه را تایید می‌کند که ادب عربی، یکی از عناصر و منابع اصلی مورخان مسلمان در تدوین تاریخ اندلس و حوادث آن روزگاران بوده است: المقتبس من أخباء أهل الأندلس تألیف ابومروان بن حیان القرطبی (۱۹۹۴: ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۳۰، ۲۳۱) تاریخ المَن بالإمامة تألیف عبدالملک بن محمد بن احمد الباجی مشهور بصاحب الصلاة(متوفای ۵۷۸ هـ)(۱۹۷۹: ۶۶، ۶۷، ۷۲، ۷۵)، المعجب فی تلخیص أخبار العرب تألیف عبدالواحد المراكشی (۲۰۰۶: ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۱۴)، الحلة السراء تألیف ابن الأبار القضاعي البلبنی(متوفای ۶۵۸ هـ)(۱۹۸۵: ج ۱: ۳-۱۱، ۱۵-۱۷)، البیان المغرب فی أخبار المغرب تألیف ابوالعباس احمد بن عذاری المراكشی(۱۹۸۵: ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۸).

۲-۳. تاریخ و زیبایی‌های ادب عربی

زیبایی‌ها و ظرافت‌های ادب عربی، به ویژه شعر ادبی، همواره مورد اهتمام مؤلفان و مصنفان دانش-های گوناگون بوده است. این اهتمام و توجه پس از گسترش اسلام و آشنایی مسلمانان با فرهنگ‌ها و تمدن‌های دیگر، گسترده‌تر و ژرف‌تر گردید.

آن مصنفان و مؤلفان که در پاره‌ای از زمان‌ها خود نیز اهل شعر و ادب بوده‌اند، برای رهایی و دوری از ملالت و یکنواختی آثار خود، نوشته‌های خویش را با شواهدی از شعر و نثر عرب که غالباً در چارچوب فکاهه، قصه، اسطوره و قرار گرفته‌اند، تزیین می‌نمودند.

علی بن عبدالله الروحی در کتاب بلغة الظرفاء فی ذکری تواریخ الخلفا (بی تا: ۱۴۳) در حکایت زیر به گونه‌ای از طنز و فکاهه به روزگار حکومت المقتفی عباسی اشاره می‌کند که مردی به نام «ابن المرخم» را قاضی شهر بغداد و مسئول پیگیری اخذ مالیات می‌کند. مؤلف بلغة الظرفاء در ذکر تاریخی این رخداد

و به نقل از یکی از شاعران در باب این انتخاب خلیفه و سخت‌گیری و فشار زیاد قاضی المرخم بر مردم چنین گفته است:

سحمی وبک و الطمی	وقد ولی ابن المرخم
واه علی الحکم والقضا	واه علی کلّ مُسلم
وأری الْمُقْتَنی الإمام	عن الحقّ قد عمی

این روایت که به صورت ادبی و به زبان شعر بیان شده، به لحاظ تاریخی بسیار حائز اهمیت است. زیرا وضعیت اجتماعی و اقتصادی دوره خاصی از تاریخ عباسیان را نمایان و آشکار می‌سازد. افزون بر این، «جز اینها بسیاری از مطالبی که در ادوار گوناگون تاریخی، خوشایند و موافق میل حکام نبوده، با اشارات و کنایاتی در آثار ادبا ذکر شده است. به هر روی پیوند میان تاریخ و ادبیات همانقدر که از فراموشی بسیاری از موضوعات که مورخان به جبر یا به سهو درباره آنها خاموش بوده‌اند، جلوگیری کرده، به متون تاریخی عطر و بوی ذوق و لطف سخن بخشیده است. این رابطه هم به سود صاحب اثر بوده و هم به نفع مخاطب.» (انوشه، ۱۳۹۸)

۳-۳. ادبیات عرب و بن‌مایه‌های تاریخی

رخدادها و مباحث تاریخی از دیر باز تاکنون، یکی از موضوعات جدی و مورد اهتمام ادیبان و ناقدان عرب بوده است. این پیوند چنان استوار و تأثیرگذار بوده است که می‌توان گفت: برخی آثار در ادب عربی (شعر و نثر) متأثر و برخاسته از رخدادها و جریان‌های تاریخی و سیاسی بوده است. شعر شاعران صدر اسلام، به ویژه اشعار حسان بن ثابت انصاری، و نیز شعر شاعرانی؛ همچون جریر، اخطل و فرزدق در دوره اموی به شدت تحت تأثیر حوادث تاریخی و سیاسی جهان اسلام بوده است.

نگاهی گذرا به دو مجموعه سترگ «الغدیر» علامه امینی و «ادب الطف» علامه سید جواد شبّر نیز این دیدگاه را تأیید می‌کند که حوادث تاریخی مهمی؛ همچون «غدیر» و «حماسه حسینی» در آفرینش بن‌مایه‌های شعری ادب عربی، بسیار تأثیرگذار بوده است.

در ادامه به ابیاتی از شعر حسان بن ثابت بسنده می‌کنیم که در آن ما را به روزگاران جنگ و کشمکش میان مسلمانان و مشرکان رهنمون می‌سازد. تهدید جدی ابوسفیان، تبیین و توصیف وضعیت جامعه پیش و بعد از ظهور اسلام و نیز حادثه غدیر، مضامین اصلی این ابیات است:

أَلَا أبلغُ أبا سفيان عتي
فأنتُ مُجَوِّفٌ نخبَ هَؤُاءَ

(حسان بن ثابت، ۱۹۹۰: ۶۰)

(هان! پیام مرا به ابوسفیان برسانید که تو در جنگ یک آدم ترسو و بزدل هستی)

اللَّهُ أَكْرَمَنَا بِنَصْرِ نَبِيِّهِ وَبِنَا أَقَامَ دَعَائِمَ الْإِسْلَامِ الْفَضْلُ

(همان: ۴۴۲)

(خداوند با یاری فرستاده‌اش، ما را گرامی داشت و با همراهی ما پایه‌های اسلام را ساخت)

وَكُنَّا مُلُوكَ النَّاسِ قَبْلَ مُحَمَّدٍ فَلَمَّا أَتَى الْإِسْلَامُ كَانَ لَنَا الْفَضْلُ

(همان: ۳۸۱)

(ما پیش از رسالت حضرت محمد(ص) برده مردم بودیم و چون اسلام آمد ما برتری و فضیلت یافتیم)

نَبِيِّ أَتَانَا بَعْدَ يَأْسٍ وَفَتْرَةٍ مِنْ الرِّسْلِ وَالْأَوْتَانِ فِي الْأَرْضِ تُعْبَدُ

(همان: ۱۳۱)

(پیامبری بعد از نومیدی و در نبود رسولان الهی بر ما فرستاده شده در حالیکه در زمین بت‌ها پرستیده می‌شد)

يُنَادِيهِمْ يَوْمَ الْغَدِيرِ نَبِيُّهُمْ بِخَمٍّ وَاسْمِعَ بِالرَّسُولِ مُنَادِيَا

(المفید، بی تا: ۱۵۸)

(پیامبرشان در روز غدیر به آنان ندا داد، در خم (غدیر) و چه نیکو ندایی از رسول خدا بشنو)
تأمل مورخان در شعر حسّان و استناد فراوان به اشعار وی، بیانگر این حقیقت است که شعر ایشان یکی از منابع جدی مورخان در توضیح، تحلیل و تبیین رخدادهای صدر اسلام بوده است. در حقیقت، مورخان مسلمان از این اشعار به عنوان داده و ابزاری برای کنکاش و رصد مباحث تاریخ صدر اسلام استفاده می‌کنند.

۳-۴. پیوند متقابل ادب عربی و دستگاه حاکمیت

ادب عربی از دیرباز؛ یعنی پیش از اسلام با دستگاه و ساختار حاکمیت (قبیله) ارتباط تنگاتنگی داشته است. دو معلقه «حارث بن حلّزه» و «عمرو بن کلثوم» و نیز برخی اشعار «نابغه ذبیانی» به دربار «غساسنه»، نمونه‌هایی از پیوند نخستین ادبیات عرب با نظام سیاسی آن روزگاران به شمار می‌آید. (ر.ک: ضیف، بی تا/ الف: ۲۰۴، ۲۸۱، ۲۸۲). این ادبیات پس از پیدایش اسلام در خدمت دین و عقیده بوده و در عصرهای اموی، عباسی، اندلس، انحطاط و حتی دهه‌های آغازین عصر نهضت، همواره همراه و مؤید دستگاه حاکمیت سیاسی بوده است. فراوانی و گستردگی رویکرد و غرض مشهور شعر «مدح»، حاصل این تعامل و داد و ستد جهان ادبیات و سیاست است. هر چند که برخی از جریان‌های مخالف و منتقد دولت‌های اموی و عباسی؛ به مانند ادبیات شیعه، از این قائده استثنا می‌شود.

چرایی این ارتباط با دستگاه حاکمیت و نظام‌های سیاسی به عوامل متعددی بر می‌گردد:

ادیبان(شاعران و نویسندگان) جهت گذراندن زندگی و عرضه تولیدات ادبی خود به پشتوانه و حامی مالی نیاز داشتند.

کارکرد ادبیات در قرن‌های گذشته به مانند کارکرد رسانه‌های امروزی بوده است؛ چراکه سیاست‌ها، اخبار، نیازها و خواسته‌های دستگاه‌های حاکمیتی را در جامعه منتشر می‌کردند. دستگاه حاکمیت به منظور نیک جلوه دادن جایگاه و سانسور عملکرد خود به این رسانه تأثیرگذار، نیاز جدی و مبرم داشت.

دستگاه حاکمیت به منظور «ثبت» و «ضبط» و «جاودانه» نمودن اخبار و رخدادهای نظام سیاسی به ابزاری مانند ادبیات (به ویژه شعر) نیاز داشتند که پیشینه و گستره حفظ و نقل شفاهی آن در میان مردم، نیز پدیده‌ای عادی و رایج بود.

در آغاز دعوت عباسیان نیز شاعرانی به مانند أبودلامه، مروان بن ابی حفصه، و سلم الخاسر، هنر و ادبیات خود را در خدمت مشروعیت بخشی دستگاه عباسیان قرار دادند. (ر.ک: ضیف، بی‌تا/ج: ۲۹۰)

این حمایت از دستگاه سیاسی عباسیان و ترویج و تبلیغ دیدگاه‌های خلفا نیز در دهه‌های بعدی توسط شاعران دیگری؛ همچون مروان بن ابی الجنوب ابی السمط، علی بن یحیی المنجم، ابوبکر الصولی مورد اهتمام بوده است. (ر.ک: ضیف، بی‌تا/ د: ۳۶۹)

اخلط که از شاعران برجسته و مسیحی به روزگار امویان بوده است، نقش بسیار مهمی در مشروعیت بخشی به سیاست‌های خلافت اموی داشته است (ر.ک: امیری‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۲). در بیت زیر، اخلط بر این باور است که خداوند، بنی امیه را شایسته خلافت دانسته و آن را به عنوان هدیه- ای الهی بر ایشان عطا نموده است:

وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ الْخِلَافَةَ فَيْكُمْ بِأَبْيَضٍ، لَا عَارِي الْخِوَانِ وَلَا جَدِبٍ
(الاخلط، ۱۴۲۹: ۹۷)

جریر نیز در مدح خلیفه اموی، عبدالملک بن مروان، او را بهترین و بخشنده‌ترین مردمان در امر هدایت و راهبری مردم معرفی می‌کند:

أَلَسْتُمْ خَيْرَ مَنْ رَكِبَ الْمَطَايَا وَأَنْدَى الْعَالَمِينَ بَطُونِ رَاحٍ
(جریر، ۱۹۷۸: ۷۷)

فراتر از همه اینها، روزگار حکومت بنی‌حمدان را در شام بنگریم که اگر چکامه‌ها و مدایح شاعر برجسته و بلندآوازه‌ای همچون «متنبی» نبود، تاریخ و نام آن خاندان، جاودانه و ماندگار نمی- شد. (ر.ک: زینی‌وند و بختیاری، ۱۳۹۲: ۷۳)

اگر چه به سختی می‌توانیم بازتاب رگه‌ها و ریشه‌هایی از مسائل دینی قوم عرب را در پیش از اسلام در ادب عربی بیابیم (ر.ک: ضیف، بی‌تا/الف: ۸۹-۹۷) اما پیدایش دین اسلام موجب ارتباط استوار و گسترده ادبیات و عقیده گردید. از این رو، اشعار و خطابه‌های شخصیت‌های برجسته صدر اسلام، یکی از منابع معتبر مورخان مسلمان در بررسی و تحلیل پدیده‌ها به شمار می‌آید. خطابه‌ها و نامه‌های نهج البلاغه از جمله این منابع و مصادیق است.

خطابه و سخنرانی در میان شیوخ و رهبرانی سیاسی عرب به سبب رواج فرهنگ شفاهی همواره از اهمیت بالایی برخوردار بود. خطابه‌گویی یکی از ویژگی‌های سیاستمداران و ذوات عرب بود که به وسیله آن در پی مطامع و اغراض سیاسی خویش بودند. در دوران جاهلی خطیب مدافع و نماد هویت قبیله محسوب می‌شد. (جاحظ، ۱۹۶۷: ج ۱: ۱۹۶) در قرن اول اسلامی به جهت رواج اختلافات سیاسی و مذهبی خطابه‌های سیاسی و تفخرآمیز در جهان اسلام به ویژه در عراق که کانون تحزب و اختلاف سیاسی و عقیدتی بود، تداوم پیدا کرد. در عصر اموی نیز جدال میان فرق مذهبی شیعه، خوارج، معتزله، مرجئه و اهل سنت چنان بالا گرفت که سرآغاز شکل‌گیری ادب سیاسی در آن روزگاران گردید. آن ادب سیاسی که بیشتر در قالب شعر و خطابه و رساله بازتاب یافته است، همواره یکی از منابع مورخان و مسلمانان برای تحلیل مباحث تاریخی و مذهبی بوده است. (ر.ک: الحاج حسن، ۱۹۹۳: ۲۴) در واقع، دوره اموی را عصر طلایی خطابه و سخنوری دانسته‌اند، چراکه اشخاص مهم سیاسی هم چون خلفاء، والیان و بزرگان دیگر خطابه‌های مهمی داشته‌اند که در منابع تاریخی و ادبی به یادگار مانده است. از خطابه‌های مشهور و محفوظ در آثار ادبی و تاریخی می‌توان به خطبه حضرت زینب (س) در دربار یزید پس از واقع کربلا، خطبه مختار ثقفی، خطبه زیاد بن ابیه در بصره که به «بترا» معروف است، خطبه روح بن زباع در کنگره جابیه، خطبه حجاج بن یوسف ثقفی در ابتدای ورودش به کوفه، خطبه قطری بن فجاء، خطبه طارق بن زیاد پس از فتح اندلس اشاره کرد. (جاحظ، ۱۹۸۸: ج ۲، ۵؛ ابن قتیبه، ۱۹۶۷: ج ۲، ۲۲؛ المبرد، ۱۹۸۹: ج ۱، ۱۹۸-۱۹۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۵، ۱۳۳)

در عصر عباسی اول، شاعران شیعه مذهب؛ به مانند سید حمیری، منصور نمری، دعبل خزاعی، دیک‌الجن، ضمن دفاع از حقوق آل‌الله به مبارزه و سرزنش مخالفان و دشمنان ایشان پرداختند (ر.ک: ضیف، بی‌تا/ ج: ۳۰۵).

شاعران معتزله؛ به مانند عتابی، بشر بن معتمر و نظام نیز به منظور ترویج عقیده اعتزال، شعر و هنر خود را به عنوان ابزاری برای بیان عقیده خویش بکار گرفتند (ر.ک: همان: ۴۱۴).

اشعار محمد بن صالح علوی، الحمانی‌العلوی، المفجع البصری نیز بیانگر دیدگاه‌های مذهبی و رویکردهای سیاسی شیعه در دهه‌های بعدی بوده است. (ر.ک: ضیف، بی‌تا/ د: ۳۸۵).

نگاهی گذرا به کتاب « اثر التشیع فی الأدب العربی » تألیف محمد سید کیلانی (۱۹۹۶-۱۹۹۵) و منابع دیگر، ما را به ژرفای برخی جدال‌های مذهبی میان برخی مذاهب اسلامی آگاهی می‌بخشد. (ر.ک: کیلانی، ۱۹۹۶: ۸۵-۱۶۴؛ آئینه‌وند، ۱۳۷۷، سیاحی، ۱۴۰۲، الشایب، ۱۹۴۵)

در ادامه به نمونه‌هایی از گفتمان جدال و شاعران شیعه مذهب و دیگر فرق و مذاهب و حکومت‌ها اشاره می‌کنیم (ر.ک: اقبالی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۳۷؛ زینی‌وند و اله نظری، ۱۳۹۱: ۲۳۵):

إِنْ كَانَ رَفُضًا حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ فَلْيَشْهَدْ الثَّقَلَانِ أَنِّي رَافِضِي
(الشافعی، ۱۴۳۰: ۹۳)

(ترجمه: اگر محبت اهل بیت رفض و کفر است، جنّ و انس بدانند که من رافضی هستم.) یکی از شعرای علوی در مقایسه و موازنه ستم‌های دولت اموی و عباسی چنین سروده است:

وَاللّٰهُ مَا فَعَلْتَ اُمِيَّةَ فِيْهِمْ مَعْشَارَ مَا فَعَلْتَ بَنُو الْعَبَّاسِ
(شرح میمیه ابی فراس: ۱۱۹)

(ترجمه: به خدا سوگند که بنی امیه یک دهم ستمی را که بنی عباس (به علویان) کردند هرگز روا نداشتند.)

دعبل خزاعی نیز بر این باور است که سرزمین‌های علویان را حکومت جور و ستم فرا گرفته و عرصه را بر ایشان تنگ نموده است:

دِيَارٌ عَفَاها جَوْرٌ كُلُّ مُنَادٍ وَلَمْ تَعْفُ لِلْأَيَّامِ وَالسَّوَاتِ
(الخرزاعی، ۱۴۱۷: ۶۳)

(ترجمه: سرزمین‌هایی که جور و ستم، همه جای آن را فرا گرفته و زمان و روزگار آنها را از بین نبرده است)

شریف رضی نیز در مقایسه و موازنه ستم‌های بنی امیه و بنی عباس در حق اهل بیت (ع) چنین می‌گوید:

أَلَا لَيْسَ فَعْلُ الْآخِرِينَ وَأَنْ عَلَا عَلَى قُبْحِ فَعْلِ الْأَوَّلِينَ بَرَأَنَدُ
(الرضی، ۱۴۱۹، ج: ۱، ۲۸۲)

(هان! آگاه باشید که عملکرد (عباسیان) در حق اهل بیت، اگرچه به زشتی اعمال پیشینیان (امویان) نیست، اما کمتر از آنان نیست)

علی بن عباس مشهور به ابن رومی (معاصر معتضد عباسی) نیز در جیمیه معروفش به جفاها و ستم‌هایی که در روزگار عباسیان بر خاندان اهل بیت (ع) وارد شده، اشاره می‌کند و بر این باور است که مردم و حاکمان از مسیر حق و درستی خارج شده و منزلت خاندان پیغمبر را نادیده گرفته‌اند:

۱. أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ طَالَ ضَرِيرُكُمْ
۲. أَكُلَّ أَوَانٍ لِلنَّبِيِّ مُحَمَّدٍ
۳. تَبِيعُونَ فِيهِ الدِّينَ شَرَّ أَيْمَةٍ
۴. بَنِي الْمُصْطَفَى كَمْ يَأْكُلُ النَّاسُ شِلْوَكُمْ
۵. أَمَا فِيهِمْ رَاعٍ لِحَقِّ نَبِيهِ
۶. لَقَدْ عَمَّهَوْا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكُمْ

- بَالَ رَسُولِ اللَّهِ فَاحْشُوا أَوْ ارْتَجُوا
- قَتِيلٌ زَكِيٌّ بِالْدمَاءِ مُضْرَجٌ
- فَلِلَّهِ دِينٌ اللَّهُ قَدْ كَادَ يَمْرُجُ
- لِيَلْوَاكُمْ عَمَّا قَلِيلٍ مُفْرَجٌ
- وَلَا خَائِفٌ مِنْ رَبِّهِ يَتَحَرَجُ
- كَأَنَّ كِتَابَ اللَّهِ فِيهِمْ مُمَجَّمَجٌ

(ابن الرومی، ۱۴۱۵، ج: ۱، ۳۰۷)

(ترجمه: ۱. ای مردم آسیب رسانی و گزند شما به خاندان پیامبر به درازا کشیده شده است. از این کار بترسید و امید و طلب شفاعت و بخشش کنید.. ۲. آیا در هر زمان باید یکی از فرزندان پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله کشته شده و در خون خود آغشته گردد.. ۳. یا دین خود را به خاطر آنها به بدترین زمامداران (بنی عباس) می فروشید، به خدا که نزدیک است دین خدا به کلی فاسد و تباه گردد. ۴. ای فرزندان مصطفی تا چند مردم از گوشت اعضای شما باید بخورند، به زودی گرفتاری شما برطرف خواهد شد. ۵. آیا یک تن نیست که درباره آنها پیغمبر خدا را مراعات کند و یا کسی نیست که از پروردگار خود بترسد.. ۶. گمراه شدند کسانی که نازل شده خدا در حق شما را انکار کردند، گویی کتاب خدا در میان آنها ناچیز و بی ارزش و مبهم است)

در غدیریه مهیار دیلمی نیز به پراکندگی و سرگردانی شیعیان در اثر ستم‌های عباسیان اشاره شده است:

هَدَى قَضَايَا رَسُولِ اللَّهِ مَهْمَلَةً غَدْرًا وَ شَمْلُ رَسُولِ اللَّهِ مُنْصَدَعٌ

(الدیلمی، ۱۴۲۰، ج: ۲، ۱۸۲)

(ترجمه: فرمان رسول خدا، با مکر و فسون زیر پا مانده و رها شده است و جمعیت خاندانش پراکنده گشته است)

این اشعار، ما را به این حقیقت روشن رهنمون می‌کند که عنصر مذهب و جدال‌های مذهبی در میان مسلمانان، بویژه در روزگار امویان و عباسیان، در اوج خود بوده و در ادبیات آن روزگاران، نمود و حضور ملموسی دارد. همچنین، اضطراب سیاسی و مذهبی و ناامنی‌های حاکمیتی و فشارهای این دو حکومت بر شیعیان، روی دیگر این سکه بوده است. چنین فضای سرشار از کشمکش مذهبی در شعر شاعران و سپس استناد مورخان بدان اشعار، به وضوح قابل ملاحظه است. لذا مورخان مسلمان با تحلیل چنین ابیاتی، تصویری روشن از اضطرابات و تحولات سیاسی و مذهبی آن روزگاران ارائه می‌دهند.

پیوندهای ژرف ادبیات عرب و تاریخ اسلام، معلول و محصول عوامل و مؤلفه‌های گوناگون و درهم تنیده سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و دینی است. همچنین به نظر می‌رسد نقش و کارکرد عوامل دینی و سیاسی در ایجاد این رابطه تنگاتنگ، بیش از دیگر عوامل قابل ملاحظه است. این مؤلفه‌ها در گذر زمان سبب شده است که گونه‌ای از تعامل و دادستد میان رشته‌ای میان این دانش به وجود آید. فهم این گفتمان میان رشته‌ای، ما را نسبت بدرک موضوعات ادبی و ورخدا‌های تاریخی، درست‌تر و دقیق‌تر کمک می‌کند.

آنچه در این تعامل می‌توانیم دریابیم؛ این است که در ادب عربی و تاریخ اسلام، تحلیل و تفسیر منابع ادب عربی و تاریخی، بدون آگاهی و آشنایی با دیگری، ناممکن و ناتمام است. لذا فهم واقعی گفتمان و متون ادب عربی و تاریخ اسلام، علیرغم تفاوت آندو در قلمرو، روش، زبان و هدف، در گرو آشنایی مخاطبان و پژوهشگران با اصول و مبانی این دودانش است؛ چرا که آندو مکمل و همنشین یکدیگر محسوب می‌شوند. افزون بر این، دیدگاه نگارندگان بر این است که ادیبان ادب عربی و مورخان تاریخ اسلام به دلیل نیازهای مشترک و ضرورت‌های علمی، حسب دیدگاه‌های سیاسی و مذهبی خود، بابه‌گیری از مؤلفه‌های مشترک به دنبال تبیین موضوع از زاویه دید و نگاه خویش بوده‌اند. لذا این نیاز و درهم تنیدگی ادبیات و تاریخ به اندازه‌ای است که گویا فهم هریک از آندو مستلزم آشنایی با دیگری است. لذا مخاطب امروزی با در کنار هم قرار دادن ادبیات عربی و تاریخ اسلام، می‌تواند به فهم درست‌تر و روشن‌تری از حوادث و مجهولات آن روزگاران دست یابد.

منابع

الف) منابع عربی

- ابن ابی شیبہ (۱۴۲۱)، *المغازی*، تحقیق: عبدالعزیز بن ابراهیم العمری، الرياض: دار اشبیلیا.
- ابن اسحاق، محمد بن اسحاق المطلبی (۱۹۷۸)، *سيرة ابن اسحاق (السيرة و المغازی)*، تحقیق: سهیل زکار، ط۱، بیروت: دارالفکر.
- ابن اعثم الکوفی، محمد بن علی (۱۳۷۲)، *الفتوح*، ترجمه محمد بن احمد مستوفی هروی، تصحیح: غلامرضا طباطبائی مجد: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ابن الأبار القضاعی، محمد بن عبدالله (۱۹۸۵)، *الحلة السیراء*، تحقیق: حسین مونس، القاهرة: دارالمعارف.
- ابن الأثیر، علی بن محمد (۱۹۸۷)، *الکامل فی التاریخ*، تحقیق: محمد یوسف دقاق، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد (۱۹۹۵)، *المنتظم فی تاریخ الملوک و الأمم*، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن الرومی، علی بن عباس (۱۴۱۵)، *دیوان ابن الرومی*، تصحیح: احمد حسن بسج، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن الکلبی، هشام بن محمد السائب (۲۰۰۰)، *الأصنام*، تحقیق: احمد زکی پاشا، ط۴، القاهرة: دارالکتب المصریه.
- ابن بکار، زبیر (۱۴۱۶)، *الأخبار الموقفیات*، تحقیق: سامی مکی العانی، ط۱، ایران: منشورات الشریف الرضی.

ابن حزم الأندلسی، علی بن احمد بن سعید (۲۰۱۵)، *نقط العروس فی تواریخ الخلفاء*، تحقیق: احساس عباس، بیروت: دارالنشر.

ابن حیان، حیان بن خلف (۱۹۹۴)، *المقتبس من أنباء أهل الأندلس*، تحقیق: محمود علی مکی، القاهرة: وزارة الأوقاف.

ابن صاحب الصلاة، عبدالمکمل بن محمد (۱۹۷۹)، *تاریخ المنّ بالإمامة*، تحقیق: عبدالهادی تازی، بغداد: دارالحرية.

ابن عبدربه، احمد بن محمد (۱۹۸۶)، *العقد الفريد*، تحقیق: خليل شرف الدين، بیروت: دار و مكتبة الهلال.
ابن عذارى المراكشي، ابوالعباس (۱۹۸۵)، *البيان المغرب فی أخبار الأندلس و المغرب*، بیروت: دارالغرب الإسلامي.

ابن قتیبة الدینوری، عبدالله بن مسلم (۱۴۱۰)، *الإمامة والسياسة*، تحقیق: علی شیری، ط۱، بیروت: دارالأضواء.
ابن قتیبة الدینوری، عبدالله بن مسلم (۱۹۹۸)، *عیون الأخبار*، تحقیق: یوسف علی طویل، بیروت: دارالکتب العلمیة.
ابن قتیبة الدینوری، عبدالله بن مسلم (۱۹۹۹)، *أدب الکاتب*، تحقیق: محمد الدالی بلطه، بیروت: الرسالة.
ابن مزاحم المنقری، نصر (۱۳۸۲ و ۱۴۰۴)، *وقعة صفین*، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، القاهرة: المؤسسة العربية الحديثة و قم، منشورات مكتبة آية الله المرعشي النجفي.

الأخطل، غياث بن غوث (۱۴۲۹)، *ديوان الأخطل*، شرح: راجی الأسمر، بیروت: دارالکتب العلمیة.
الأصفهانی، ابوالفرج (۱۹۶۵)، *مقاتل الطالبیین*، تقديم: كاظم المظفر، ط۲، قم: مؤسسة دارالكتاب للطباعة و النشر.
الأصفهانی، ابوالفرج (۲۰۰۸)، *الأغانی*، تحقیق: احسان عباس و بكر عباس و ابراهيم سعافین، بیروت: دارصادر.
البغدادی، عبدالقادر (۱۹۹۷)، *خزانة الأدب و لب لسان العرب*، تحقیق: عبدالسلام هارون، ط۴، القاهرة.
البلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۶)، *أنساب الأشراف*، تحقیق: محمدباقر المحمودی، الطبعة الثانية، قم: مجمع احياء الثقافة الإسلامية.

التوحیدی، ابوحيان (بی تا)، *الإمتاع و الموانسة*، تحقیق: احمد امین و احمد الزین، بیروت: دارالأرقم.
الثقفی، ابراهیم بن محمد (۱۴۰۷)، *الغارات*، تحقیق: عبدالزهراء الحسینی، ط۱، بیروت: دارالأضواء.
الجاحظ، ابوعثمان (۱۹۸۸)، *البيان و التبیین*، تحقیق: علی ابو ملجم، بیروت: دار و مكتبة الهلال.
جریر بن عطیة (۱۹۷۸)، *ديوان جریر*، بیروت: دار بیروت.

الحاج حسن، حسین (۱۹۹۳)، *أعلام فی النثر العباسی*، ط۱، بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات و النشر و التوزيع.

الخزاعی، دعبل بن رزین (۱۴۱۹)، *ديوان الشريف الرضي*، تصحيح: محمود مصطفى حلاوي، ط۱، بیروت: دارالأرقم.

الدیلمی، مهیار (۱۴۲۰)، *ديوان مهيار الديلمي*، تصحيح: احمد نسيم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
الدینوری، احمد بن داود (۲۰۰۱)، *الأخبار الطوال*، تصحيح: عصام محمد حاج علی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
الروحي، علی بن عبدالله (بی تا)، *بلغة الظرفاء فی ذكرى تواریخ الخلفاء*، تصحيح: محمد زینهم محمد، القاهرة: مكتبة الثقافة الدينية.

الزبیری (نک: ابن بکار)

الشافعی، الامام (۱۴۳۰)، *دیوان الامام الشافعی*، تصحیح: امیل بدیع یعقوب، بیروت: دارالکتاب العربی.
 الشایب، احمد (۱۹۴۵)، *تاریخ الشعر السياسي إلى منتصف القرن الثاني*، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية.
 الشعکة، مصطفی (۱۹۹۳)، *مناهج التألیف عند العلماء العرب (قسم الأدب)*، ط ۷، بیروت: دارالعلم للملایین.
 الشيعة (عنوان کتاب مستقل نیست - حذف شد)
 الطبری، ابو جعفر محمد بن جریر (بی تا)، *تاریخ الرسل والملوک*، تهران: جهان.
 القالی، ابوعلی (۲۰۰۱)، *الأمالی*، تحقیق: سید بن عباس الحلیمی، بیروت: مؤسسة الكتب الثقافية.
 کیلانی، محمد سید (۱۹۹۶-۱۹۹۵)، *أثر التشيع في الأدب العربي*، ط ۲، القاهرة: دارالعرب.
 المبرد، محمد بن یزید (۱۹۸۹)، *الکامل فی اللغة و الأدب*، تحقیق: نعیم زرزور و تغارید بیضون، بیروت: دارالکتب العلمیة.

المجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، *بحار الأنوار*، بیروت: داراحیاء العربی.
 المراكشی، عبدالواحد بن علی (۲۰۰۶)، *المعيج في تلخيص أخبار المغرب*، بیروت: المكتبة العصرية.
 المسعودی، ابوالحسن علی بن الحسین (۲۰۰۵)، تصحیح: کمال حسن مرعی، بیروت: المكتبة العصرية.
 المفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۳)، *الجمال*، قم: بوستان کتاب.
 المفید، محمد بن محمد نعمان (بی تا)، *الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد*، طهران: دارالکتب الإسلامیة.
 الملحس، ثریا عبدالفتاح (۱۹۸۹)، *حزب الخوارج في أدب العصر الأموي*، ط ۱، بیروت: الشركة العامیة للکتاب.
 الملحس، ثریا عبدالفتاح (۱۹۹۰)، *حزب الشيعة في أدب العصر الأموي*، ط ۱، بیروت: الشركة العامیة للکتاب.
 الیعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (۱۹۹۳)، *تاریخ الیعقوبی*، تحقیق: عبدالأمیر مهنا، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.

(ب) منابع فارسی

آئینه‌وند، صادق (۱۳۷۷)، *الأدب السياسي في الإسلام*، ط ۲، تهران: سمت.
 احمدی اختیار، مهدی و عبدالرضا نقدی (۱۳۹۴)، «پیوند ادبیات و تاریخ در ایران»، *تاریخنامه*
 خوارزمی (انجمن علمی دانشجویی تاریخ دانشگاه خوارزمی)، سال ۲، صص ۱-۲۳.
 اقبالی، مسعود و یحیی معروف و تورج زینی‌وند (۱۳۹۴)، «دفاع از حریم شاعران متعهد شیعه»، *فصلنامه*
شیعه‌شناسی، دوره ۱۳، ش ۵۱، صص ۱۳۷-۱۷۴.
 انوشه، حسن (۱۳۹۸)، «پیوند تاریخ و ادبیات»، *روزنامه همشهری*، کد مطلب ۵۹۴۵۱ (۲۵ خرداد).
 ایروانی‌زاده، عبدالغنی و جمال طالبی (۲۰۱۵)، *دراسات في الهجاء السياسي عند شعراء الشيعة*، ط ۱، قم:
 مجمع الذخائر الإسلامیة.
 زینی‌وند، تورج و سمیه بختیاری (۱۳۹۲)، «درآمدی تحلیلی بر خدمات دولت حمدانیان به ادبیات
 شیعه»، *فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی*، دوره ۲، شماره پیاپی ۵، صص ۷۳-۸۸.

- زینی‌وند، تورج و گلملک اله‌نظری (۱۳۹۱)، «ساختارشناسی رثای اهل بیت (ع) در عصر عباسی»، فصلنامه شیعه‌شناسی، ش ۳۷، صص ۲۳۵-۲۷۰.
- سیاحی، صادق (۱۴۰۲)، *الأدب الملتزم بحب آل البيت*، ط ۹، تهران: سمت.
- صالحی، پریسا و قدرت‌الله طاری (۱۳۹۶)، «پیوند تاریخ با ادبیات در متون تاریخی زبان و ادبیات فارسی»، *نشریه تاریخ ادبیات*، شماره ۸۱/۳، صص ۴۹-۷۷.
- ضیف، شوقی (بی تا / الف)، *تاریخ الأدب العربی (العصر الجاهلی)*، ط ۸، مصر: دارالمعارف.
- ضیف، شوقی (بی تا / ب)، *تاریخ الأدب العربی (عصر صدر الإسلام)*.
- ضیف، شوقی (بی تا / ج)، *تاریخ الأدب العربی (العصر العباسی الأول)*، ط ۸، مصر: دارالمعارف.
- ضیف، شوقی (بی تا / د)، *تاریخ الأدب العربی (العصر العباسی الثاني)*، ط ۲، مصر: دارالمعارف.



دراسة تحليلية في العلاقة بين الأدب العربي والتاريخ الإسلامي

تورج زيني وند^١، مهدي عزتي^٢

^١ أستاذ، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازی، کرمانشاه، إيران.

^٢ أستاذ مساعد، قسم التاريخ، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة رازی، کرمانشاه، إيران.

الملخص

معلومات المقالة

نوع المادة:

مقالة محكمة

تاريخ الوصول:

١٤٤٧/٠٨/١٢

تاريخ القبول:

١٤٤٧/١١/١٠

يُعدّ الأدب العربي، نظرًا لارتباطه الوثيق بالأنظمة السياسية والاجتماعية والدينية، من المصادر الموثوقة والمعتمدة لدراسة تاريخ الإسلام. فمصادر التاريخ الإسلامي تزخر بالأخبار الأدبية، وسير الأدباء، والقصائد، والحكايات الأدبية، مما يجعلها أساسًا مهمًا لدراسة وتحليل حياة الأدباء، وأنواع الأدب، وأغراضها. كما أن حاجة المؤرخين المسلمين إلى الأدب العربي كمصدر لتحليل المعلومات، وإعادة بناء النقاشات والأحداث التاريخية، والاستفادة من جماليات اللغة ودقتها، أسهمت في وفرة شواهد الأدب العربي في الدراسات التاريخية. من جهة أخرى، زادت حاجة الكتاب المسلمين إلى المصادر التاريخية وموضوعاتها والتراث التاريخي من نطاق هذا التفاعل وسرعته، مما يعكس أهمية الأدب العربي في تحليل التاريخ الإسلامي. وتدلّ دراسة تطور التأريخ والأدب العربي في العصر الإسلامي على ظهور العديد من المؤرخين والأدباء والشعراء، بالإضافة إلى كتاب كبار صنفوا أعمالًا تاريخية بارزة. في هذه الدراسة، تم التركيز على تحليل وشرح الخطاب المتجدّد في الأدب العربي والتاريخ الإسلامي، مع ذكر أمثلة ونماذج بارزة للتفاعل والتبادل بينهما. وتشير النتائج الرئيسية لهذه الدراسة، التي تعتمد منهجًا وصفيًا تحليليًا، إلى أن تحليل وتفسير المصادر الأصلية للأدب العربي (شعرًا ونثرًا) والمصادر التاريخية الموثوق بها أمر مستحيل وغير مكتمل دون وعي وإلمام بالعوامل المؤثرة الأخرى. ومن هذا المنطلق، فإن دراسة خطاب الأدب والتاريخ تتطلب إدراك وظيفة العوامل الثقافية والسياسية والدينية والأدبية والتاريخية في هذا التبادل والتفاعل.

الكلمات المفتاحية: دراسات متعددة التخصصات، الأدب العربي التاريخ الإسلامي.

الاقتباس: زيني وند، ت. عزتي، م. (١٤٤٧). دراسة تحليلية في العلاقة بين الأدب العربي و التاريخ الإسلامي، السرديات البينية في اللغة

العربية وآدابها. ٣ (العدد الخاص). ٢٦-١.

DOI: 10.22034/jisall.2026.545210.1092

حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

الناشر: جامعة زابل.



An Introduction to the Links between Arabic Literature and Islamic History

Touraj zinivand (Corresponding Author): Professor in Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

Email: zinivand56@gmail.com

Mehdi Ezati: Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah, Iran.

Introduction

With the emergence of Islam and the inclination of the Arab people towards Islam, as well as the Quran's reliance on various elements, including eloquence and rhetoric (literature), stories of prophets and saints, and the description of the fate of previous peoples and nations (history), this interaction and exchange became broader and more widespread. Therefore, it can be seen that in the beginning, literary and historical sources were less found independently and specialized, but rather, they were compiled and written together with some other sciences as a common scientific field.

In addition, the naming of literary eras and periods according to historical, political, and social trends and events (Jahili, Islamic, Umayyad, Abbasid, etc.) has been another common chapter of the deep connection between Arabic literature and the element of history, which requires another opportunity to address.

It is also worth mentioning that in this research, we do not intend to have a "historical perception" of literary texts and a "literary perception" of historical texts; Because the "language", "purpose", "essence" and "method" of the two sciences of literature and history are different and diverse. Rather, the intention is that the combination of "literary and historical knowledge" helps us in better understanding and more accurately comprehending literary and historical phenomena. In any case, in this descriptive-analytical research, we intend to examine and analyze the factors and components that have strengthened and solidified the connection between Arabic literature and Islamic history in the past.

Methodology

In this research, in addition to analyzing and explaining the deep-rooted discourse of Arabic literature and Islamic history, prominent examples and instances of this interaction and exchange have also been mentioned. The basic finding of the research also reflects the fact that the analysis and interpretation of the original sources of Arabic literature (poetry and prose)

and reliable historical sources are impossible and incomplete without awareness and familiarity with the other. For this reason, the analysis of the discourse of literature and history requires the recognition of the function of cultural, political, religious, literary and historical factors in this exchange.

Results and Discussion

Arabic literature, due to its connection with political, social and religious systems, has been one of the trusted and reliable sources of research on the history of Islam, as the sources of Islamic history are also full of literary news, the lives of writers, poems and literary anecdotes. In fact, these sources are considered one of the sources of studying and analyzing the lives of writers, literary genres and topics of Arabic literature. In addition, the need of Muslim historians for a source called Arabic literature in order to analyze information and reconstruct historical discussions and events, as well as to benefit from the subtleties and beauties of those literary elements, has led to the abundance of evidence of Arabic literature in the analysis of historical issues. Just as the need of Muslim writers for historical themes, topics and heritage has increased the scope and speed of this interaction.

Conclusion

The deep connections between Arab literature and Islamic history are the result of various and intertwined political, cultural, social, and religious factors and components. It also seems that the role and function of religious and political factors in creating this close relationship is more significant than other factors. These components have, over time, led to the emergence of a type of interdisciplinary interaction and dialogue between these disciplines. Understanding this interdisciplinary discourse helps us to understand literary subjects and historical events more accurately and precisely.

What we can understand from this interaction is that in Arabic literature and Islamic history, the analysis and interpretation of Arabic and historical literary sources is impossible and incomplete without knowledge and familiarity with the other. Therefore, the true understanding of the discourse and texts of Arabic literature and Islamic history, despite their differences in scope, method, language, and purpose, depends on the familiarity of the audience and researchers with the principles and foundations of these two sciences; because they are considered complementary and companion to each other.

In addition, the authors' view is that writers of Arabic literature and historians of Islamic history, due to common needs and scientific necessities, have sought to explain the subject from their own perspective and viewpoint by utilizing common components according to their political and religious

views. Therefore, this need and intertwining of literature and history is such that understanding each of them requires familiarity with the other. Therefore, by juxtaposing Arabic literature and Islamic history, today's audience can achieve a more accurate and clearer understanding of the events and unknowns of those times.

Reference

- Aeinavand, S. (1998). *Political literature in Islam* (2nd ed.). SAMT. {In Persian}
- Ahmadi Ekhtiar, M., & Naqdi, A. R. (2015). The connection between literature and history in Iran. *Kharazmi History Journal*, 2, 1–23. {In Persian}
- Al-Akhtal, G. b. G. (2008). *Diwan of Al-Akhtal* (R. Al-Asmar, Ed.). Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. {In Arabic}
- Anousheh, H. (2019). The connection between history and literature. *Hamshahri Newspaper*, Article No. 59451 (June 15). {In Persian}
- Al-Asfahani, A. (1965). *Maqatil al-Talibiyyin* (K. Al-Muzaffar, Preface, 2nd ed.). Mu'assasat Dar al-Kitab lil Tab'a'ah wa al-Nashr. {In Arabic}
- Al-Asfahani, A. (2008). *Al-Aghani* (I. Abbas, B. Abbas, & I. Sa'afin, Eds.). Dar Sadir. {In Arabic}
- Al-Baghdadi, A. (1997). *Khizanat al-Adab wa Lubb Lisan al-'Arab* (A. Harun, Ed., 4th ed.). [Publisher unknown]. {In Arabic}
- Al-Baladhuri, A. b. Y. (1995). *Ansab al-Ashraf* (M. B. Al-Mahmoudi, Ed., 2nd ed.). Mu'ajma' Ihya' al-Thaqafah al-Islamiyyah. {In Arabic}
- Barakat, W., & Ghassan al-Sayyed. (1995). *Introduction to critical methods of literary analysis*. Lana. {In Arabic}
- Al-Daylami, M. (1999). *Diwan of Mahyar al-Daylami* (A. Nasim, Ed.). Mu'assasat al-A'jami lil Matbu'at. {In Arabic}
- Al-Dinawari, A. b. D. (2001). *Al-Akhbar al-Tiwal* (I. M. H. Ali, Ed.). Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. {In Arabic}
- Al-Dirayri (Ibn Bikar). (n.d.). See Ibn Bikar.
- Dhayf, S. (n.d.a). *History of Arabic literature (The pre-Islamic era)* (8th ed.). Dar al-Ma'arif. {In Arabic}
- Dhayf, S. (n.d.b). *History of Arabic literature (The early Islamic era)*. Dar al-Ma'arif. {In Arabic}
- Dhayf, S. (n.d.c). *History of Arabic literature (The first Abbasid era)* (8th ed.). Dar al-Ma'arif. {In Arabic}
- Dhayf, S. (n.d.d). *History of Arabic literature (The second Abbasid era)* (2nd ed.). Dar al-Ma'arif. {In Arabic}

- Ibn Abi Shaybah. (2000). *Al-Maghazi* (A. b. I. Al-Omari, Ed.). Dar Ashbiliya. {In Arabic}
- Ibn al-Abbar al-Quda'i, M. b. A. (1985). *Al-Hullah al-Sira'* (H. Mounis, Ed.). Dar al-Ma'arif. {In Arabic}
- Ibn al-Athir, A. b. M. (1987). *Al-Kamil fi al-Tarikh* (M. Y. Daqqaq, Ed.). Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. {In Arabic}
- Ibn A'tham al-Kufi, M. b. A. (1993). *Al-Fotuh* (M. b. A. Mustawfi Harawi, Trans.; G. Tabatabai Majd, Ed.). Publications and Education of the Islamic Revolution. {In Arabic}
- Ibn Bikar (al-Zubayri). (1995). *Al-Akhbar al-Muwaffaqiyat* (S. M. Al-Ani, Ed., 1st ed.). Manshurat al-Sharif al-Radi. {In Arabic}
- Ibn Duraid, M. b. H. (n.d.). *Al-Malāhīn*. (Unclear reference, omitted or needs verification).
- Ibn Hayyan, H. b. K. (1994). *Al-Muqtabis min Anba' Ahl al-Andalus* (M. A. Makki, Ed.). Ministry of Awqaf. {In Arabic}
- Ibn Hazm al-Andalusi, A. b. A. b. S. (2015). *Nuqt al-'Arus fi Tawarikh al-Khulafa'* (I. Abbas, Ed.). Dar al-Nashr. {In Arabic}
- Ibn Ishaq, M. b. I. al-Muttalibi. (1978). *Sirat Ibn Ishaq (Al-Sirah wa al-Maghazi)* (S. Zakkār, Ed., 1st ed.). Dar al-Fikr. {In Arabic}
- Ibn al-Jawzi, A. b. A. b. M. (1995). *Al-Muntazam fi Tarikh al-Muluk wa al-Umam* (M. A. Ata & M. A. Ata, Eds.). Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. {In Arabic}
- Ibn al-Kalbi, H. b. M. al-Sa'ib. (2000). *Al-Asnam* (A. Z. Pasha, Ed., 4th ed.). Dar al-Kutub al-Misriyyah. {In Arabic}
- Ibn Mazahim al-Minqari, N. (2003 & 1984). *Waq'at Siffin* (A. M. Harun, Ed.). Al-Mu'assasah al-'Arabiyyah al-Hadithah & Maktabat Ayatollah al-Mar'ashi al-Najafi. {In Arabic}
- Ibn al-Mu'tazz, A. (n.d.). *Diwan of Ibn al-Mu'tazz*. (Unclear reference, omitted or needs verification).
- Ibn Qutaybah al-Dinawari, A. b. M. (1989). *'Uyun al-Akhbar* (Y. A. Tawil, Ed.). Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. {In Arabic}
- Ibn Qutaybah al-Dinawari, A. b. M. (1990). *Al-Imamah wa al-Siyasah* (A. Shiri, Ed., 1st ed.). Dar al-Adwa'. {In Arabic}
- Ibn Qutaybah al-Dinawari, A. b. M. (1999). *Adab al-Katib* (M. al-D. Baltah, Ed.). Al-Risalah. {In Arabic}
- Ibn Saheb al-Salah, A. b. M. (1979). *Tarikh al-Mann bil Imama* (A. Tazi, Ed.). Dar al-Hurriyyah. {In Arabic}
- Ibn 'Abd Rabbih, A. b. M. (1986). *Al-'Iqd al-Farid* (K. Sharaf al-Din, Ed.). Dar wa Maktabat al-Hilal. {In Arabic}
- Ibn 'Idhari al-Marrakushi, A. (1985). *Al-Bayan al-Mughrib fi Akhbar al-Andalus wa al-Maghrib*. Dar al-Gharb al-Islami. {In Arabic}

- Ibn al-Rumi, A. b. A. (1994). *Diwan of Ibn al-Rumi* (A. H. Basaj, Ed.). Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. {In Arabic}
- Iqbal, M., & Marouf, Y., & Zeyni Vand, T. (2015). Defending the sanctity of committed Shiite poets. *Shi'a Studies Quarterly*, 13(51), 137–174. {In Persian}
- Iravanizadeh, A., & Talebi, J. (2015). *Studies in political satire among Shiite poets* (1st ed.). Majma' al-Dhakha'ir al-Islamiyyah. {In Arabic}
- Jarir b. Atiyyah. (1978). *Diwan of Jarir*. Dar Beirut. {In Arabic}
- Al-Jahiz, A. (1988). *Al-Bayan wa al-Tabyin* (A. A. Muljam, Ed.). Dar wa Maktabat al-Hilal. {In Arabic}
- Kylani, M. S. (1995–1996). *The influence of Shi'ism on Arabic literature* (2nd ed.). Dar al-'Arab. {In Arabic}
- Al-Khaza'i, D. b. R. (1998). *Diwan of al-Sharif al-Radi* (M. M. Halawi, Ed., 1st ed.). Dar al-Arqam. {In Arabic}
- Al-Majlisi, M. B. (1982). *Bihar al-Anwar*. Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. {In Arabic}
- Al-Malhas, S. A. (1989). *The Kharijite faction in the literature of the Umayyad era* (1st ed.). Al-Shirkah al-'Ammah lil Kitab. {In Arabic}
- Al-Malhas, S. A. (1990). *The Shiite faction in the literature of the Umayyad era* (1st ed.). Al-Shirkah al-'Ammah lil Kitab. {In Arabic}
- Al-Mas'udi, A. b. A. b. H. (2005). *Muruj al-Dhahab* (K. H. Mar'i, Ed.). Al-Maktabah al-'Asriyyah. {In Arabic}
- Al-Mubarrad, M. b. Y. (1989). *Al-Kamil fi al-Lughah wa al-Adab* (N. Zarzur & T. Baydun, Eds.). Dar al-Kutub al-'Ilmiyyah. {In Arabic}
- Al-Mufid, M. b. M. N. (1992). *Al-Jamal*. Bustan Kitab. {In Arabic}
- Al-Mufid, M. b. M. N. (n.d.). *Al-Irshad fi Ma'rifat Hujaj Allah 'ala al-'Ibad*. Dar al-Kutub al-Islamiyyah. {In Arabic}
- Al-Murakishi, A. b. A. (2006). *Al-Mu'jib fi Talkhis Akhbar al-Maghrib*. Al-Maktabah al-'Asriyyah. {In Arabic}
- Rosenthal, F. (1999). (Unclear reference, omitted).
- Al-Ru'ahi, A. b. A. (n.d.). *Bulghat al-Zurafa' fi Dhikra Tawarikh al-Khulafa'* (M. Z. Muhammad, Ed.). Maktabat al-Thaqafah al-Diniyyah. {In Arabic}
- Salehi, P., & Tari, G. (2017). The connection between history and literature in Persian language and literature historical texts. *Journal of History of Literature*, 3(81), 49–77. {In Persian}
- Sayyahi, S. (2023). *Committed literature of love for the Ahl al-Bayt* (9th ed.). SAMT. {In Persian}
- Al-Shafi'i, I. (2009). *Diwan of Imam al-Shafi'i* (E. B. Ya'qub, Ed.). Dar al-Kitab al-'Arabi. {In Arabic}
- Al-Shaib, A. (1945). *History of political poetry until the mid-second century*. Maktabat al-Nahdah al-Misriyyah. {In Arabic}

- Al-Shaykhah, M. (1993). *Methods of composition among Arab scholars (Literature section)* (7th ed.). Dar al-'Ilm lil Malayin. {In Arabic}
- Al-Tabari, A. J. M. b. J. (n.d.). *Tarikh al-Rusul wa al-Muluk*. Jahan. {In Arabic}
- Al-Thaqafi, I. b. M. (1986). *Al-Gharat* (A. al-Husayni, Ed., 1st ed.). Dar al-Adwa'. {In Arabic}
- Al-Tawhidi, A. (n.d.). *Al-Imta' wa al-Mu'anasah* (A. Amin & A. Al-Zayn, Eds.). Dar al-Arqam. {In Arabic}
- Al-Ya'qubi, A. b. A. Y. (1993). *Tarikh al-Ya'qubi* (A. Muhanna, Ed.). Mu'assasat al-A'lami lil Matbu'at. {In Arabic}
- Zeyni Vand, T., & Bakhtiari, S. (2013). An analytical introduction to the services of the Hamdanid government to Shiite literature. *Journal of Islamic Textual Studies*, 2(5), 73–88. {In Persian}
- Zeyni Vand, T., & Elah Nazari, G. (2012). Structural analysis of the elegy for Ahl al-Bayt (AS) in the Abbasid era. *Shi'a Studies Quarterly*, 37, 235–270. {In Persian}
- Al-Zubayri. (n.d.). See Ibn Bikar.